

لغت های درس ۱۰ فارسی

هم معنی	
مراقب: نگهبان - مواظب	گشوده ای: باز کرده ای
آزرده: ناراحت	اغلب: بیشتر
صفا: صمیمیت - پاکی	دوش: شانه ی انسان - کتف
معمولاً: بیشتر وقت ها	موضوع: آنچه درباره ی آن گفت و گو می شود
نغمه: سرود، صدای خوش	آسیب: صدمه
لذت: حالت خوشایند و خوب	
متضاد	
نزدیک: دور	خیالی: واقعی
دوستی: دشمنی	باسواد: بی سواد
آشنا: غریب	سواره: پیاده
گشوده: بسته	
هم خانواده	
اغلب: غالب: غلبه: مغلوب	خلاص: اخلاص: خلوص
مراقب: مراقبت	ضربان: ضربه